

توسعه صنعتی مقهور

تفکر سخت افزاری و جاذبه مستغلات

سید غلامحسین حسن تاش*

پاراگراف زیر را که در روز چهارم خرداد ۱۳۹۵ عیناً از روی سایت شرکت پتروشیمی جم کپی شده است، ملاحظه کنید:
شرکت پتروشیمی جم، در زمینی به مساحت تقریبی ۷۷ هکتار، که ۴۱ هکتار آن از طریق خشک نمودن دریا استحصال شده است در منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس قرار دارد.

خشک کردن دریا برای ساخت مجتمع‌های پتروشیمی، محدود به پتروشیمی جم نیست. پتروشیمی آریاساسول، و شماری از دیگر مجتمع‌های واقع در منطقه پارس جنوبی نیز بر روی زمین‌هایی قرار گرفته‌اند که از طریق خشکاندن دریا ایجاد شده‌اند. این پدیده از جهات متعددی قابل تأمل است. ایجاد زمین از راه خشک کردن دریا افزون بر این که بسیار پرهزینه و گران است، آثار زیست‌محیطی جبران‌ناپذیری دارد که با یک جست‌وجوی اینترنتی مطالب زیادی در مورد آن می‌توان یافت. خشک کردن دریا ممکن است در کشوری جزیره‌ای، مانند ژاپن، که محدودیت زمین دارد و زمین در آن بسیار گران است، توجیه اقتصادی داشته باشد. در آن کشور کوه‌ها را می‌تراشند و سنگ و خاک آن را به دریا می‌ریزند و، با این کار، از سوئی کوه و تپه را مسطح می‌کنند و از سوی دیگر دریا را خشک می‌کنند تا زمین استحصال کنند. اما آیا در کشوری مانند ایران، با وسعت سرزمینی بالا و با تراکم جمعیتی نسبتاً پایین و وسعت سواحل، به‌دست آوردن

* سید غلامحسین حسن تاش، عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، تهران.

زمین از طریق خشک کردن دریا توجیه اقتصادی و زیست‌محیطی دارد؟ این کار از چه تفکری برآمده است و مبتنی بر کدام مطالعه و منطق است؟ بهای تمام‌شده این زمین‌ها چقدر است؟ چه پیش‌زمینه‌هایی موجب شده است که چنین کاری لازم شود؟ چرا با وجود نوار ساحلی وسیع در جنوب کشور منطقه اولیه پارس جنوبی در جایی انتخاب شد که کمترین فاصله میان کوه و ساحل را دارد و زمینش محدود است، آن‌چنان که برای توسعه آن، در فازهای بعدی مجبور شدند ده‌ها کیلومتر آن‌طرف‌تر به منطقه تنبک در نزدیکی کنگان بروند؟ سیر تطور توسعه میدان مشترک پارس جنوبی نشان می‌دهد که در ابتدا بحث ۲۸ فاز و ۳۰ فاز مطرح نبوده و قرار بوده کار در ۷-۸ فاز انجام شود، ولی به تدریج و با آزمون و خطا به این جا رسیده. چرا چنین شده است؟ اگر از ابتدا مطالعات جامعی بر روی مخزن و میدان و پتانسیل توسعه آن انجام می‌شد و بر مبنای یک طرح جامع توسعه میدان حرکت می‌شد، آیا باز هم چنین تأسیسات همین‌گونه بود؟ وقتی که در پارس جنوبی زمین کم آمد چرا از ابتدا فکر رفتن به تنبک و سیراف شکل نگرفت؟ چه نیازی به خشک کردن دریا بود؟ آیا مطالعه و برآورد فنی - اقتصادی‌ای شد که خشک کردن دریا و استحصال زمین و ساختن پتروشیمی‌های جم و غیره در نزدیکی محل تأمین خوراک آنها (یعنی گاز و میعانات فازهای اولیه واقع در منطقه عسلویه) به صرفه‌تر است یا کشیدن خط لوله و منتقل کردن خوراک (یعنی گاز و میعانات) به جای دیگری که زمین کافی وجود دارد؟ اینک پالایشگاه‌های میعانات پارس جنوبی را به منطقه سیراف برده‌اند، چرا پتروشیمی‌ها را به آن‌جا نبردند که مجبور به خشک کردن دریا نشوند؟ ده‌ها پرسش دیگر هم درباره چنین تصمیم‌هایی قابل طرح است.

تفکر سخت‌افزاری

اگر به‌خوبی به این پرسش‌ها و پاسخ‌های آنها فکر کنیم به این نتیجه خواهیم رسید که فقدان یا ضعف مطالعات و بررسی‌های جامع عامل اصلی تصمیم‌گیری‌های نادرست و وارد آمدن خسارات زیاد به کشور است. با پدیده‌ای روبه‌رو هستیم که نگارنده در چند نوشته از آن به عنوان تفکر سخت‌افزاری و مقدم داشتن سخت‌افزار بر نرم‌افزار یاد کرده است. در تفکر نرم‌افزاری ابتدا همه‌چیز به‌دقت مطالعه و بررسی می‌شود و کل مسیر پیشاپیش تصور می‌شود و پیش‌بینی‌های لازم صورت می‌گیرد. با این نوع تفکر ممکن است پروژه اندکی دیرتر آغاز شود، ولی به‌خاطر پیش‌بینی کردن همه‌چیز و آمادگی داشتن، به‌موقع و چه‌بسا زودتر از زمان تعیین‌شده پایان می‌گیرد. در حالی که تفکر سخت‌افزاری، با کمترین مطالعه و اطلاع، کلنگ برمی‌دارد و کار را شروع می‌کند و به تدریج و با آزمون و خطا پیش می‌رود. با مشکلات پیش‌بینی‌نشده روبه‌رو می‌شود و، به‌اجبار، تصمیمات شتابزده می‌گیرد



مجتمع پتروشیمی برپاشده بر جنازه دریا

و چندین برابر زمانی را که تصور می‌کرد با تعجیل در آغاز کردن کار صرفه‌جویی کرده است، در مسیر و در طول کار از دست می‌دهد و تلف می‌کند. به اضافه این‌که هزینه‌ها چندبرابر می‌شود. تفکر سخت‌افزاری مصداق بارز سوء مدیریت است. ما متأسفانه چنان به این نظام سوءمدیریت و روش‌های کاری نادرست عادت کرده‌ایم که گاه حتی متوجه خسارت‌ها، اتلاف منابع، و هزینه‌های مضاعف نمی‌شویم. هیچ مقام ناظری هم وجود ندارد که به این وجوه کارها بپردازد، اگر هم هست، عنوانی روی کاغذ و وفق قانون است و آن‌قدر غرق در امور خرده‌ریز و دست‌وپاگیر و مواجه با تعدد ایرادها و اشکال‌های ناشی از سوء مدیریت‌هاست که، حتی اگر بخواهد وظیفه قانونی خود را انجام دهد، قادر به این کار نیست. گذشته از این وجه خسارت‌بار و ضدتوسعه‌ای تفکر سخت‌افزاری، علاقه‌مندم توجه

شما را به وجه قابل تأمل دیگری جلب کنم؛ به آن چه به عنوان یکی از دیگر موانع توسعه ایران قابل بررسی جدی است.

جاذبه مستغلات

در ایران منابع کشور به گونه ویژه‌ای صرف املاک و مستغلات می‌شود و منابعی که در این بخش به چرخش درمی‌آید به هیچ وجه با دیگر بخش‌ها و خصوصاً بخش صنعت قابل مقایسه نیست. پروژه‌های عمرانی که فرصت زمین‌بازی و گردش بیشتر پول را در عرصه املاک و مستغلات به وجود می‌آورند بسیار بهتر از پروژه‌های صنعتی یا ارتقای بهره‌وری یا پروژه‌های تولیدی پیش می‌روند. محمدحسین پاپلی یزدی* در سمیناری در دانشگاه فردوسی مشهد در دی ماه ۱۳۹۴ تشریح می‌کند که ۹۷ درصد منابع تخصیص داده شده به آب، صرف آب‌های سطحی و پروژه‌های عظیم سدسازی شده است و در پیوند با این پدیده از مافیای پیچیده شرکت‌های ساختمانی یاد می‌کند. بنابراین، سهم ناچیزی، در حکم هیچ، از منابع مالی به آبخیزداری، مدیریت آب‌های زیرزمینی، و مسئله مهم و خطیر ارتقای بهره‌وری آب تخصیص داده می‌شود. افزون بر این در ایران کوچک‌ترین تناسبی میان میزان پیشرفتگی تکنولوژی سدسازی و پروژه‌های ساختمان‌سازی اطراف سدها با کشاورزی سنتی وجود ندارد. محمد درویش، مدیرکل دفتر آموزش و مشارکت مردمی سازمان حفاظت محیط زیست، در نشست گفته است:

انتقاد ما به آنهایی که موجب غلبه تفکر سخت‌افزاری و سازه‌ای بر نهادهای متولی مدیریت و مهندسی منابع آب شدند این است که چرا به بهانه تأمین آب کشاورزی این همه سازه‌های غول‌پیکر ساختید، این در حالی بود که مشکل اصلی بخش کشاورزی ما آب نبود بلکه مشکل اصلی آن فقر نرم‌افزاری و بهره‌وری پایین بود.

همین روزها، در بدترین شرایط اقتصادی کشور، می‌توانیم به پیرامون خود بنگریم و ببینیم که چه حجم عظیمی از ساختمان‌ها و بناهای غیرصنعتی در حال ساخت است، در صورتی که پروژه‌های صنعتی همه دچار مشکل نبود منابع مالی‌اند. بازارهای بزرگ و مراکز تجاری عظیمی را می‌بینیم که رشد قارچ‌گونه آنها هیچ تناسبی با رشد تولید ملی ندارد و طبعاً آنها را باید با کالاهای خارجی وارداتی، و عمدتاً بنجل، با صرف درآمد حاصل از نفت پر کرد و به مشتریان عرضه داشت.

حسین راغفر (اقتصاددان و استاد دانشگاه) و احسان سلطانی (پژوهشگر حوزه اقتصاد)

* دکتر محمدحسین پاپلی یزدی (ز. ۱۳۲۷)، مؤسس، مدیر مسؤول و صاحب امتیاز فصلنامه تحقیقات جغرافیایی؛ استاد پیشین دانشگاه فردوسی مشهد، تربیت مدرس تهران، و سوربن پاریس.



ساخت و ساز پررونق مراکز تجاری؛ فروشگاه‌های عظیم اجناس کم کیفیت وارداتی

در تحقیقی، به استناد داده‌های مرکز آمار ایران، نشان داده‌اند که در یک دوره بیست و پنج ساله (۱۳۶۹-۱۳۹۳)، در شرایطی که درآمد سرانه کل اقتصاد (بدون مستغلات) فقط ۵۹ درصد رشد کرده، درآمد سرانه بخش مستغلات ۲۳۱ درصد افزایش یافته و سهم ساختمان و مستغلات از ۱۸ درصد درآمد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۷۹ به ۲۴ درصد در سال ۱۳۹۲ رسیده است. همچنین با استناد به داده‌های حساب‌های ملی بانک مرکزی، نشان داده‌اند در شرایطی که در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ سهم ماشین‌آلات از تشکیل سرمایه ثابت ناخالص از ساختمان بیشتر بوده یا تقریباً یکسان بوده، از سال ۱۳۸۵ این روند به شدت و اگر شده است، به طوری که تا سال ۱۳۹۱، سهم ساختمان از تشکیل سرمایه به ۷۲ درصد از کل تشکیل سرمایه در کشور و سهم ماشین‌آلات به ۲۸ درصد رسیده است. به عبارت دیگر، سهم مستغلات از تشکیل سرمایه ثابت ناخالص کشور از حدود ۲۴ درصد به ۴۴ درصد افزایش پیدا کرده و سهم بخش صنعت و معدن از ۱۸ درصد به ۹ درصد کاهش یافته است. جالب توجه این است که در بخش صنعت نیز صنایعی که به رونق ساختمان و مسکن و در نهایت به مستغلات کمک می‌کنند جایگاه برتری دارند. در دهه ۱۳۸۰ در بین ۲۴ رشته صنعتی، دو رشته کانی غیرفلزی (صنایع کاشی، سیمان، آجر و اساساً صنایع تأمین‌کننده نیازهای ساختمان) و فلزات اساسی (عمدتاً تولید تیرآهن و میل‌گرد و مانند اینها) اولین و دومین مقام سرمایه‌گذاری صنعتی کشور را (به ترتیب با ۲۰ و ۱۵ درصد از کل) به خود اختصاص دادند.

جالب توجه است که حتی بسیاری از پروژه‌های صنعتی که با همان تفکر سخت‌افزاری و بدون مطالعات لازم شروع می‌شوند نیز عملاً به هدف نمی‌رسند، اما فرصت بیشتری برای ساخت‌وسازهای غیرصنعتی و گردش بیشتر منابع در عرصه املاک و مستغلات ایجاد می‌کنند. نمونه‌های فراوانی از این دست می‌توان یافت. در سایر بخش‌ها هم همین‌گونه است. به عنوان مثال در بخش حمل‌ونقل ده‌ها فرودگاه در کشور داریم که کارهای ساختمانی آنها تمام شده و پیمانکاران ساختمانی پول خود را گرفته‌اند و رفته‌اند و چه بسا فرصت‌های فراوانی برای زمین‌بازی فراهم آمده است، اما آن فرودگاه‌ها حتی مجهز به تجهیزات ناوبری برای نشست و برخاست هواپیما نیستند و هواپیمایی هم وجود ندارد که پرواز در فرودگاه‌ها برقرار شود.

فراتر از بیماری هلندی

پدیده بیماری هلندی در اقتصادهای وابسته به نفت به خوبی توضیح می‌دهد که خصوصاً در دوره‌های رونق نفتی چگونه بخش تولید کالاهای قابل مبادله در سطح بین‌المللی (کالاهای قابل صادرات یا جایگزین واردات) لطمه می‌خورد و، برعکس، بخش کالاهای غیرقابل مبادله در سطح بین‌المللی (زمین و ساختمان) رونق می‌یابد، اما به نظر می‌رسد که مسئله در ایران فراتر از اینهاست.

ریچارد الیوت بندیکت، از اعضای گروه مشاوران دانشگاه هاروارد، که در اواخر دهه ۱۳۳۰ برای ارائه مشاوره در زمینه برنامه پنج‌ساله سوم عمرانی رژیم گذشته (۱۳۴۲-۱۳۴۶)، به ایران آمده بود، در کتاب تأمین مالی صنعتی در ایران می‌نویسد:

در ایران مستغلات که واجد تاریخی مملو از تجربیات موفقیت‌آمیز است، بر سرمایه‌گذاری صنعتی برتری دارد. عجیب است که سرمایه‌گذاری در حوزه مستغلات و زمین در مقایسه با سرمایه‌گذاری صنعتی از بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی آسیب به مراتب کمتری دیده است. اغلب گفته شده که «زمین» و «سفته»، یا به عبارتی رباخواری، اصلی‌ترین جذب‌کننده‌های سرمایه در ایران هستند. تا زمانی که سوداگری روی مستغلات و سفته‌بازی سودهای بزرگ بدون زحمت و بدون ریسک ایجاد می‌کند، محال است در ایران تولید صنعتی اتفاق بیافتد و کسی خود را درگیر در دسرهای تولید کند.

بندیکت این مطالب را سال‌ها پیش از رونق نفتی، پس از وقوع شوک اول نفتی در سال ۱۳۵۲، نوشته است و قطعاً رونق نفتی این چرخه‌ها را تشدید کرده است.

نتیجه

در ایران ریسک‌های سرمایه‌گذاری در املاک و مستغلات و ساخت‌وساز ملکی بسیار کمتر

از سرمایه‌گذاری صنعتی است و بازدهی آن بسیار بیشتر. سازوکارها و نظامات تعریف‌شده‌ای در خدمت این مسئله قرار دارند. بخش عمده منابع بانک‌ها یا در واردات یا در مستغلات چرخش می‌کند و برای دریافت وام صنعتی نیز، هرچقدر هم که طرح و مطالعات فنی - اقتصادی آن محکم و مجری آن معتبر و بازگشت سرمایه آن قطعی باشد، باز هم وثیقه ملکی لازم است. به قول بندیکت:

ایرانی‌ها به خوبی فهمیده‌اند که تنها فرق مهم بین بازار و بانک تجاری ساختمان‌های بزرگ و مجلل بانک‌هاست. بانک‌ها از دل همان ساختار رباخواری بازار سربرآورده‌اند و حتی طرز فکر و نوع اعتبارات آنها با بازار یکی است و هر دو در کار تأمین مالی تجارت، ساخت‌وساز و معاملات مستغلات فعالیت می‌کنند.

دولت بزرگ که بخش عظیمی از سرمایه‌گذاری‌های صنعتی را خود انجام می‌دهد و بسترساز سایر سرمایه‌گذاری‌های صنعتی نیز هست، با فرهنگ سخت‌افزاری خود موجب نزول مستمر بهره‌وری در صنعت و سرمایه‌گذاری‌های صنعتی می‌شود. بهره‌وری پایین و ریسک بالای صنعت به صورت روزافزون منابع را به سمت مسکن و مستغلات هدایت می‌کند و در عمل سرمایه‌گذاری‌های صنعتی نیز به ابزار و وسیله‌ای برای رونق بیشتر سرمایه‌گذاری بر روی مستغلات تبدیل می‌شود. تا چنین است بعید است که اقتصاد ایران روی توسعه را به خود ببیند. نگاه‌نو

منابع

- سایت اینترنتی شرکت پتروشیمی جم (بازدید در ۱۳۹۵/۳/۴):

<http://www.jpcomplex.ir/fa/aboutus/history>

- سخنرانی حسین پاپلی‌یزدی در حاشیه آکران مستند مادرکشی؛ دانشگاه فردوسی مشهد، ۷ دی‌ماه ۱۳۹۴.
- سخنرانی محمد درویش در حاشیه آکران مستند مادرکشی؛ جامعه مهندسان مشاور ایران، ۱۱ بهمن ۱۳۹۴.
- راغفر، حسین؛ سلطانی، احسان. «منافع مردم اسیر مافیای قدرت و ثروت». شرق. شماره ۲۵۷۴، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۵.
- حسن‌ناش، سیدغلامحسین؛ نادریان، محمدامین. «بررسی بیماری هلندی در اقتصاد ایران». مدیریت و توسعه. سال هشتم. شماره ۳۰. پاییز ۱۳۸۵.
- حسن‌ناش، سیدغلامحسین. «نفرین منابع». نگاه‌نو. شماره ۹۰. تابستان ۱۳۹۰.
- بندیکت، ریچارد الیوت. تأمین مالی صنعتی در ایران. ترجمه اصلان قودجانی. مشهد: اطاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی خراسان رضوی، ۱۳۹۳.

نگاه‌نو در پایان هر فصل منتشر می‌شود

صدودهمین شماره نگاه‌نو ۲۸ شهریور ۱۳۹۵ منتشر می‌شود